

## پژوهشی در ماهیت شکل‌گیری گورستان‌های کلان‌سنگی پشتکوه\*

ایرج فدائیان<sup>۱</sup>  
خداکرم مظاهری<sup>۲</sup>  
حسین درخششی<sup>۳</sup>

### چکیده

پیدایش و توسعه گورستان‌های کلان‌سنگی یکی از تحولات مهم فرهنگی در حوزه زاگرس مرکزی طی نیمه نخست هزاره سوم ق.م. به شمار می‌رود. تاکنون مطالعه جامعی در مورد این گورستان‌ها انجام نشده و ماهیت شکل‌گیری آنها همچنان مبهم است. پژوهش حاضر با هدف معرفی و تبیین ماهیت شکل‌گیری این گورستان‌ها انجام شده است. از آنجایی که گسترده‌ترین و منسجم‌ترین مطالعات باستان‌شناسی مرتبط با این گورستان‌ها در پشتکوه انجام گرفته است، گورستان‌های این ناحیه ملاک پژوهش قرار گرفتند؛ با این حال، در معرفی جنبه‌های مختلف گورستان‌ها، از یافته‌های مکشوفه از مناطق پیشکوه نیز بهره گرفته شده است. سؤال اصلی این پژوهش آن است که ماهیت شکل‌گیری گورستان‌های کلان‌سنگی عصر مفرغ قدیم در زاگرس مرکزی چه بوده است؟ علاوه بر این، موضوعاتی مانند شکل، ساختار معماری و گونه‌شناسی گورستان‌ها نیز به بحث گذاشته شده است. این پژوهش با بهره‌گیری از روش‌های میدانی و اسنادی و به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است.

بر اساس یافته‌های پژوهش، یکی از فرهنگ‌های منطقه‌ای مهمی که در نتیجه فروپاشی فرهنگ اوروک شکل گرفت، فرهنگ جم‌دت‌نصر - سلسله‌های قدیم بود که در نواحی حمیرین، دیاله، پشتکوه و دهلران به‌خوبی توسعه یافت و موجب ظهور یکسری آداب و رسوم مشترک شد. یکی از رسوم مهمی که در این دوره رواج یافت، استفاده از قبور مقبره‌ای شکل است که مدارک مربوط به آن در تمامی نواحی این حوزه، به‌ویژه در پشتکوه و حمیرین، کشف شده است. با توجه به مصالح بوم‌آورد، مقبره‌های آجری خشتی در دشت‌های دامنه‌ای حمیرین، دیاله و دهلران و مقبره‌های کلان‌سنگی در ناحیه کوهستانی پشتکوه رایج شد که این امر در نتیجه رونق شیوه زندگی کوچ‌نشینی در سراسر زاگرس مرکزی گسترش یافت. حجم کار و انرژی مورد نیاز جهت ساخت مقبره‌های کلان‌سنگی، قابل ملاحظه و حاکی از وجود جوامعی قدرتمند و متکی به سازماندهی منسجم است. احتمالاً در این زمان گروه‌های اجتماعی مختلفی در زاگرس مرکزی وجود داشتند که وجوه فرهنگی مشابهی از خود به جا گذاشتند.

**واژگان کلیدی:** عصر مفرغ قدیم، گورستان‌های کلان‌سنگی، پشتکوه، باستان‌شناسی مرگ.

۱. مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «شناسایی و بررسی مسئله پیدایش گورستان‌های کلان‌سنگی عصر مفرغ پشتکوه» به راهنمایی دکتر خداکرم مظاهری و مشاوره دکتر حسن درخششی انجام شده است.

۱. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استادیار گروه باستان‌شناسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران (نویسنده مسئول)

۳. استادیار گروه باستان‌شناسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران

نیمه نخست هزاره سوم قبل از میلاد (۲۵۰۰-۳۰۰۰ ق.م.) که بخش عمده عصر مفرغ قدیم را در برمی‌گیرد، یکی از دوره‌های مهم باستان‌شناسی حوزه زاگرس مرکزی است؛ دوره‌ای که در آن، تغییر و تحولات فرهنگی عمیقی رخ داد؛ با این حال، به علت کمبود و پراکندگی مدارک باستان‌شناختی، ماهیت برخی از این تغییر و تحولات هنوز در پرده ابهام قرار دارد. یکی از مسائل مهم مربوط به این دوره، چگونگی پیدایش و توسعه گورستان‌های کلان‌سنگی در سراسر حوزه زاگرس مرکزی است. این گورستان‌ها که از شاخصه‌های فرهنگی این دوره به شمار می‌روند، شامل مقبره‌های کلان‌سنگی هستند که اتاق تدفین دارند و از نظر شکل، ابعاد و اندازه متفاوت هستند. معمولاً در طول زمان، تدفین‌های متعددی در این مقبره‌ها انجام شده است. به نظر می‌رسد این نوع گورستان‌ها در نواحی مختلف پیشکوه و پشتکوه به‌طور گسترده رواج داشته‌اند. مقبره‌های کلان‌سنگی در مناطق پیشکوه به «قبور لَحکی / لَحدی» معروفند. از جمله نمونه‌های گورستان‌های کلان‌سنگی کشف‌شده در مناطق مختلف پیشکوه می‌توان به دول‌پهن در دره سیمره (مظاهری، ۱۳۸۹: ۳)، گیلوران در مجاورت خرم‌آباد (پرویز و خدیش، ۱۳۹۱: ۹۴)، میرولی در دره رومشگان (اشمیت<sup>۱</sup> و همکاران، ۱۹۸۹، ج ۱: ۳۱) و جارعلی در منطقه طرحان (هرینک<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱: ۱۷.pl) اشاره کرد. تاکنون مطالعات جامع و منسجمی بر روی گورستان‌های مناطق پیشکوه انجام نشده است. نتایج کاوش‌ها به ندرت و آن هم به شکل پراکنده منتشر شده و گاه‌نگاری برخی از این گورستان‌ها همچنان مبهم است (همان: ۶۹). گسترده‌ترین و منسجم‌ترین مطالعات باستان‌شناسی مرتبط با این مجموعه گورستان‌ها در منطقه پشتکوه را هیئت باستان‌شناسی بلژیکی، به سرپرستی لویی واندن‌برگ، بین سال‌های ۱۹۷۹ - ۱۹۶۵ م. انجام داده‌اند (هرینک و اورلت<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲: ۱۶۳). خوشبختانه نتایج این پژوهش‌ها در مقالات متعدد و چندین جلد کتاب و گزارش منتشر شده است (برای نمونه: اورلت، ۱۳۹۲؛ هرینک و اورلت، ۲۰۰۶ و ۲۰۰۸؛ واندن‌برگ<sup>۴</sup>، ۱۹۷۹).

در نتیجه، اطلاعات و آگاهی‌های گسترده‌ای در مورد باستان‌شناسی پشتکوه، به‌ویژه در زمینه گورستان‌های کلان‌سنگی به دست آمده است. با وجود داده‌های موجود، تاکنون مطالعه جامعی در مورد این گورستان‌ها انجام نشده است. عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر در ظهور آنها مشخص نیست، در مورد ماهیت پیدایش آنها تحقیق نشده و چشم‌انداز روشنی در مورد روند کمی و کیفی شکل‌گیری این مجموعه‌ها در دست نیست.

هدف این تحقیق، معرفی و تبیین ماهیت شکل‌گیری گورستان‌های کلان‌سنگی عصر مفرغ قدیم در زاگرس مرکزی است. با این حال، به علت ناکافی بودن داده‌های گاه‌نگاری و پراکنده بودن مطالعات باستان‌شناسی مربوط به مناطق پیشکوه، در این پژوهش گورستان‌های کلان‌سنگی منطقه پشتکوه ملاک پژوهش قرار گرفته‌اند. البته در تبیین اوضاع فرهنگی این دوره و معرفی جنبه‌های مختلف این گورستان‌ها، از یافته‌های مکشوفه در مناطق پیشکوه نیز بهره گرفته شده است.

1. Schmidt
2. Haerinck
3. Haerinck and Overlaet
4. Vanden Berghe



## پیشینه پژوهش

بر خلاف عصر مفرغ (۱۳۵۰-۳۲۰۰ ق.م.)، در مورد ساختار معماری قبور عصر آهن (۵۵۰-۱۳۵۰ ق.م.) مناطق مختلف پیشکوه و پشتکوه مطالعات متعددی انجام شده است. یکی از قدیمی‌ترین این مطالعات را واندن‌برگ (۱۳۵۰) با عنوان «کاوش‌های باستان‌شناسی در پشتکوه لرستان» انجام داده و ضمن معرفی گورستان بردبال - که به عصر آهن تعلق دارد - قبور مکشوفه را به پنج گروه تقسیم نموده است. این قبور همگی از گونه تدفین‌های انفرادی هستند که بعضی از آنها در زمان‌های بعدی شکافته شده و دوباره از آنها استفاده گردیده است. فیروزمندی و عبدالهی (۱۳۸۴ ه.ش.) نیز در مقاله «فرهنگ تدفین در لرستان (نیمه اول هزاره اول ق.م.)» به بررسی شیوه‌های تدفین در عصر آهن لرستان پرداخته‌اند. آنها قبرستان‌های متعددی را بررسی کرده و قبور این دوره را از نظر معماری و ساختار به پنج گروه اصلی تقسیم نموده‌اند: قبور سنگی اتاقی شکل، قبور سنگی بیضی شکل، قبور حفره‌ای، قبور دایره‌ای شکل و قبور خمره‌ای. با این حال می‌توان گفت که «قسمت عمده قبور عصر آهن از گونه چهارچینه یا چهاردیواری هستند که بیشتر برای تدفین‌های انفرادی ساخته شده‌اند» (معتمدی، ۱۳۶۵: ۳۴-۳۵). در نیمه اول هزاره سوم ق.م. تحول مهمی در ساختار قبور رخ داد و مقبره‌های کلان‌سنگی در ابعاد بزرگ پدیدار شدند که محل تدفین‌های متعددی بوده‌اند. درازای بزرگترین این گونه مقبره‌های دالانی شکل که در بان‌سُرمه کاوش شده، ۱۶۷۵۰ متر است (هرینک و اورلت، ۲۰۰۶: ۶۳). واندن‌برگ (۱۹۷۱): ۱۷۵-۱۷۶، ۱۹۷۶: ۱۶۵) برای قبور عصر آهن مکشوفه در مناطقی مانند بردبال، پای کل و شورابه از اصطلاح «مقبره‌های جعبه‌ای / صندوقی سنگی<sup>۱</sup>» و برای قبور تقریباً مشابه مکشوفه از گورستان‌های دوره مس سنگی هکلان و پرچینه نیز از اصطلاحی مشابه استفاده کرده است. او برای مقبره‌های بزرگ حاوی تدفین‌های متعدد، از اصطلاح «مقبره‌های کلان‌سنگی<sup>۲</sup>» بهره برده است.

گسترده‌ترین کاوش‌ها و مطالعات مرتبط با گورستان‌های کلان‌سنگی در گورستان‌های بان‌سُرمه و کال‌نِسار انجام شده است (هرینک و اورلت، ۲۰۰۲: ۱۷۳). کِلِر گاف (۱۹۷۱: ۱۴۷ و fig ۸) برای نخستین بار پراکندگی گورستان‌های کلان‌سنگی را روی نقشه نشان داد. در جای دیگر، مقایسات محدودی میان گورستان‌های کلان‌سنگی پشتکوه و نمونه‌های مشابه هم‌زمان در نواحی دهلران و حَمَرین انجام شده است (هرینک و اورلت، ۲۰۰۶: ۶۴). با این حال، مطالعه سوابق پژوهش حاکی از این است که تاکنون تحقیق مستقل و جامعی در خصوص معرفی گورستان‌های کلان‌سنگی این دوره یا تبیین ماهیت شکل‌گیری آنها انجام نشده است.

## اهداف پژوهش و روش تحقیق

هدف اصلی این تحقیق، معرفی و تبیین ماهیت شکل‌گیری گورستان‌های کلان‌سنگی عصر مفرغ قدیم در زاگرس مرکزی است. برای مطالعه باستان‌شناسی دوره آغاز تاریخی جنوب غربی ایران، ضروری است در مورد این تحول مهم که در روند شکل‌گیری گورستان‌ها رخ داده، تحقیق مستقلی انجام گیرد؛ به نحوی که بتوان در مورد چگونگی شکل‌گیری و شناخت عوامل مؤثر در بروز این پدیده، به نتایج

1. Stone cists tombs
2. Megalithic tombs



روشنی دست یافت. از این رو در تحقیق پیش رو، اهداف ذیل پیگیری می‌شود:

- معرفی شکل و ساختار معماری و نیز گونه‌شناسی گورستان‌های کلان‌سنگی مورد مطالعه؛
- معرفی تعداد و چگونگی توزیع گورستان‌های کلان‌سنگی منطقه پشتکوه؛
- مطالعه و بررسی اوضاع فرهنگی نواحی زیستگاهی پیرامون، با هدف درک ماهیت پیدایش گورستان‌های کلان‌سنگی.
- تحلیل و تبیین اوضاع فرهنگی مؤثر در پیدایش و توسعه گورستان‌های کلان‌سنگی مورد مطالعه.

در این پژوهش با بهره‌گیری از روش‌های میدانی و اسنادی و به شیوه توصیفی - تحلیلی به مطالعه گورستان‌های کلان‌سنگی این دوره پرداخته می‌شود. در این راستا سعی می‌شود تا با ترکیب داده‌های به‌دست‌آمده از هم‌نهیشت‌های تدفینی و سکونتگاهی در مناطق پیرامونی، اوضاع فرهنگی این دوره مورد بحث و تحلیل قرار گیرد.

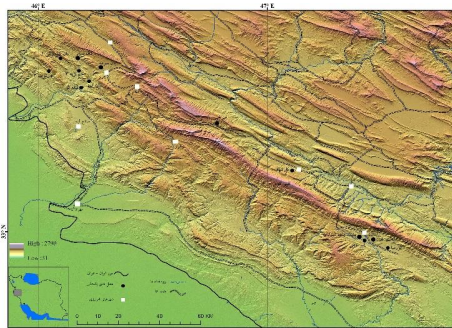
### گورستان‌های کلان‌سنگی پشتکوه

ناحیه پشتکوه در حوزه استان ایلام واقع شده است و محدوده‌های جنوب، غرب و شمال غرب کبیرکوه را در بر می‌گیرد. تمامی محوطه‌های کاوش‌شده متعلق به دوران مفرغ و آهن پشتکوه، از نوع گورستان‌های دورافتاده و جدا از تپه‌های باستانی هستند که به عنوان گورستان‌های مرتبط با گروه‌های کوچ‌نشین معرفی شده‌اند (رایت، ۱۳۸۱: ۲۸۷-۲۸۸). در مطالعات هیئت باستان‌شناسی بلژیکی در منطقه پشتکوه، تعداد ۸ گورستان کلان‌سنگی و نهشت‌های فرهنگی مربوط به آنها شناسایی و کاوش شده است که عبارتند از: بان‌سرمه و کال‌ن‌سار در حوزه شهرستان چوار و در شمال غرب پشتکوه، میرخیر و دارتنها در حوزه شهرستان بدره و در پشتکوه مرکزی؛ همچنین در پشت‌قلع، آبدانان، تَورسا، قبرناهی و تخت‌خان در حوزه شهرستان آبدانان و در جنوب پشتکوه (هرینک و اورلت، ۲۰۰۲: ۱۷۳ و ۱۷۶-۱۷۷). وضعیت توزیع جغرافیایی گورستان‌های کلان‌سنگی مذکور حاکی از این است که ساخت این‌گونه گورستان‌ها در سراسر پشتکوه، رواج داشته و گسترش یافته است (تصویر ۱). در این میان، بان‌سرمه و کال‌ن‌سار از مهمترین گورستان‌های کلان‌سنگی کاوش‌شده به شمار می‌آیند. بان‌سرمه در منطقه‌ای واقع در امتداد رودخانه لَشکان و در حدود ۳/۵ کیلومتری شمال شرق شهر چوار قرار دارد. این گورستان به وسیله شاخه‌های رودخانه لَشکان به سه بخش تقسیم شده است که توسط کاوشگر به سه ناحیه A، B و C نامگذاری گردیده‌اند (هرینک و اورلت، ۲۰۰۶: ۳). گورستان کال‌ن‌سار نیز در حدود ۲۵ کیلومتری شمال غرب بان‌سرمه و در حدود ۲ کیلومتری غرب روستای چگا، در کنار رودخانه گِلال واقع است. مسیلهایی که به رودخانه می‌پیوندند، منطقه گورستان کال‌ن‌سار را به چهار بخش تقسیم کرده‌اند که توسط کاوشگران به A، B، C و D نامگذاری شده‌اند (همو، ۲۰۰۸: ۳). از مجموع ۳۷ گور کاوش‌شده در بان‌سرمه، تنها ۸ مورد از نوع گورهای معمولی با درازای دیواره بیرونی بین ۲/۴۰ تا ۴/۹۰ متر است که همگی در منطقه B قرار دارند. تعداد ۲۹ مورد دیگر از نوع مقبره‌های کلان‌سنگی با تدفین‌های متعدد هستند. طول دیواره بیرونی این مقبره‌ها حداقل ۴/۹۰ و حداکثر ۱۶/۵۰ متر و عرض آنها بین ۱/۷۵ تا ۳/۱۰ متر است (همو، ۲۰۰۶: ۶۴). اهمیت یافته‌های بان‌سرمه هنگامی روشن‌تر می‌شود که توجه



شود تعداد کل مقبره‌های کلان‌سنگی کاوش شده در مناطق مختلف پیشکوه، کمتر از تعداد مقبره‌های کاوش شده در بان‌سر مه است. در کاوش‌های کال‌نسا نیز تعداد ۲۶ مقبره کلان‌سنگی شناسایی گردید که بیشتر آنها، قبلاً غارت شده بودند (همو، ۲۰۰۸: ۵-۸).

در یک بررسی باستان‌شناسی که اخیراً در محدوده کوچکی در شمال غرب پشتکوه انجام گرفته، تعداد ۵ گورستان کلان‌سنگی جدید شناسایی شده است که عبارتند از: دارتوت ۳، بان‌کل ولی، قبله ۵، بان‌کله و چم‌ژیه ۳ (مظاهری، ۱۴۰۱: ۱۵۳ و جدول ۱). به نظر می‌رسد اگر بررسی‌های هدفمند و فشرده‌ای در کل منطقه پشتکوه انجام شود، انتظار شناسایی تعداد بیشتری از این گونه گورستان‌ها وجود دارد (تصویر ۱).



تصویر ۱. وضعیت توزیع جغرافیایی گورستان‌های کلان‌سنگی پشتکوه (منبع: نگارندگان).

### گاه‌نگاری و روند شکل‌گیری گورستان‌های کلان‌سنگی پشتکوه

بر اساس تغییرات در ساختار مقبره‌ها و گورآوندها، به‌ویژه مجموعه‌های سفالی و فلزی مکشوفه، عصر مفرغ قدیم در پشتکوه به سه مرحله کوچکتر تقسیم شده است: مرحله A (۲۷۰۰/۲۸۰۰-۳۲۰۰ ق.م.) دوره‌های جمدت‌نصر تا سلسله‌های قدیم I در میان‌رودان را شامل می‌شود. مقبره‌های کشف‌شده از میرخیبر و کال‌نسا که مربوط به تدفین‌های انفرادی هستند (AI) به این مرحله تعلق دارند. مرحله B (۲۳۰۰-۲۸۰۰/۲۷۰۰ ق.م.) از اواخر دوره سلسله‌های قدیم I تا دوره آکد را شامل می‌شود. مرحله C (۲۰۰۰-۲۳۰۰ ق.م.) (هرینک و اورلت، ۲۰۰۲: ۱۶۸، ۱۷۰ و ۱۷۷).

مدارک مکشوفه حاکی از آن است که ساخت مقبره‌های کلان‌سنگی همزمان با اواخر دوره سلسله‌های قدیم I (۲۷۰۰-۲۸۵۰ ق.م.) و دوره سلسله‌های قدیم II (۲۶۰۰-۲۷۰۰ ق.م.) در پشتکوه رواج داشته و توسعه یافته است و اغلب آنها در دوران بعدی دوباره استفاده شده‌اند. هیچ نمونه‌ای از این گونه مقبره‌ها در دوره‌های سلسله‌های قدیم III (۲۶۰۰-۲۴۰۰ ق.م.) و دوره آکدی ساخته نشده است (همان: ۱۷۰). شاخص‌ترین گورآوندهای درون مقبره‌ها، ظروف سفالی با تزئینات چندرنگ نوع «اسکارلت»<sup>۲</sup> هستند (هرینک و اورلت، ۲۰۰۸: ۶۶). بر اساس بررسی و مطالعه گورآوندها و به‌ویژه سبک‌شناسی سفال‌های گونه اسکارلت، مقبره‌های کلان‌سنگی پشتکوه به دو دوره تقسیم شده‌اند:

- دوره نخست، مقبره‌های مکشوفه از میرخیبر و کال‌نسا AI را در بر می‌گیرد که در ابعاد کوچک و برای تدفین‌های انفرادی ساخته شده‌اند؛ هرچند از برخی از آنها، در زمان‌های بعدی دوباره استفاده شده است.

۱. دوره سلسله‌های قدیم که به آن، دوره پیش‌آکدی یا دوره پیش‌امپراطوری نیز گفته می‌شود محدوده زمانی تقریبی ۲۳۰۰ تا ۲۸۵۰ ق.م. را در بر می‌گیرد و به سه دوره کوتاه‌تر تقسیم شده است. در این دوره سلسله‌های متعدد و دولت‌شهرهای سومری، مانند اوروک، لاکاش، اور، اربلو، کیش و نیپور تشکیل شده‌اند؛ همچنین ظهور پادشاهان اولیه سومری در این دولت‌شهرها به وقوع پیوست.

2. Scarlet Ware

مقبره‌های این دوره معمولاً سقف مسطح دارند؛ ولی برخی از مقبره‌های میرخیبر، سقف خریشته‌ای (شیروانی/ شیبدار) دارند. کف مقبره‌ها با تخته‌سنگ فرش شده است و جسد و گورآوندها بر سطح سنگ فرش قرار داده شده‌اند (همان، ۲۰۰۲: ۱۷۰). در این بین، مقبره‌های میرخیبر به مرحله‌ای قدیمی‌تر تعلق دارند و آنها را به دوره جم‌ت نصر با تاریخ ۳۱۰۰-۳۰۰۰ ق.م. گاه‌نگاری کرده‌اند (هرینک، ۲۰۱۱: ۶۰). گورستان میرخیبر در حدود ۲۰ کیلومتری شرق شهرک «میشخاص» و در مجاورت روستای «پاکل» واقع است. در این محل تعداد ۶۳ مقبره کاوش شده است که به دو گروه مقبره‌های با سقف خریشته‌ای و مقبره‌های با سقف مسطح تقسیم شده‌اند (واندن‌برگ، ۱۹۷۹: ۱۲-۶). مقبره‌های کال‌ن‌سار نیز به دو گروه تقسیم شده‌اند: گروه اول، مقبره‌های نسبتاً کوچک با تدفین‌های انفرادی در ناحیه AI هستند و گروه دوم، شامل مقبره‌های بزرگ کلان‌سنگی با تدفین‌های متعدد از نوع بان‌سر مه هستند (هرینک و اورلت، ۲۰۰۸: ۳-۱۰). مقبره‌های ناحیه AI کال‌ن‌سار به دوره جم‌ت نصر متأخر و سلسله‌های قدیم I با تاریخ ۲۸۰۰-۳۰۰۰ ق.م. گاه‌نگاری شده‌اند. شاخص‌ترین گورآوندهای این دوره، سفال‌های گونه اسکارلت با تزئینات منقوش هندسی چندرنگ هستند که تزئینات در نیمه فوقانی سفال‌ها اجرا شده است (هرینک، ۲۰۱۱: ۶۰).

- در دوره دوم که اواخر سلسله‌های قدیم I و دوره سلسله‌های قدیم II را در بر می‌گیرد، ساخت مقبره‌های بزرگ کلان‌سنگی حاوی تدفین‌های متعدد رواج یافت (جدول ۱). ساخت این گونه مقبره‌ها در دوره سلسله‌های قدیم III از رونق افتاد (هرینک و اورلت، ۲۰۰۲: ۱۷۰). سفال‌های اسکارلت با تزئینات منقوش حیوانی چندرنگ که در بخش پایینی سفال‌ها اجرا شده، در این دوره رواج یافت (هرینک، ۲۰۱۱: ۶۱-۶۲). این گونه سفال‌ها معمولاً دسته‌های بالی شکل دارند (هرینک و اورلت، ۲۰۰۶: ۶۴). در گورستان «خیت-قاسم» در ناحیه ح‌مرین نیز مقبره‌های قدیمی‌تر حاوی یک اسکلت و مقبره‌های متأخرتر حاوی چندین اسکلت هستند؛ ولی مقبره‌های مکشوفه از گورستان «احمدالحتو» به گروه متأخرتر مقبره‌های آجری خیت-قاسم شباهت دارند و حاوی تدفین‌های متعدد هستند (امبرلینگ<sup>۱</sup>، ۱۹۹۵: ۷۲).

جدول (۱). مشخصات نمونه‌هایی از مقبره‌های کال‌ن‌سار و بان‌سر مه (هرینک و اورلت، ۲۰۰۶: ۷ و ۲۰۰۸: ۵ و ۸)

ردیف	محل کشف	شماره مقبره	ابعاد بیرونی (متر)		ابعاد درونی (متر)			
			طول	عرض	طول	عرض در سطح کف	عرض در زیر سقف	عمق (ارتفاع)
۱	کال‌ن‌سار	AI.7	-----	-----	۱/۵۰	۰/۶۰	-----	۰/۸۵
۲	کال‌ن‌سار	AI.17	-----	-----	۱/۴۰	۰/۷۰	-----	۰/۸۰
۳	کال‌ن‌سار	C3	۱۲/۳۰	۲/۷۵	۱۱/۰۰	۱/۵۰	۰/۷۰	۲/۰۰
۴	کال‌ن‌سار	C4	۱۳/۰۰	۱/۸۵	۱۰/۹۰	۱/۳۵	۰/۶۵	۱/۹۰
۵	کال‌ن‌سار	C13	۱۰/۷۰	-----	۹/۰۰	۱/۲۰	۰/۶۰	۲/۰۰
۶	کال‌ن‌سار	D2	-----	-----	۸/۶۰	۱/۳۰	۰/۶۰	۱/۷۰
۷	بان‌سر مه	A6	۱۵/۷۰	۳/۱۰	۱۳/۰۰	۲/۲۰	۱/۲۰	۲/۱۵
۸	بان‌سر مه	B6	۱۶/۵۰	۲/۹۰	۱۲/۲۰	۱/۴۵	۰/۸۰	۲/۰۰
۹	بان‌سر مه	B12	۲/۰۰	۱/۵۰	۱/۱۰	۰/۷۰	-----	۰/۹۰
۱۰	بان‌سر مه	B13	۲/۳۰	۱/۶۰	۱/۶۰	۱/۰۰	-----	۰/۹۰
۱۱	بان‌سر مه	B14	۲/۳۰	۱/۶۵	۱/۶۰	۱/۰۰	-----	۰/۹۰
۱۲	بان‌سر مه	C4	۱۴/۰۰	۳/۱۰	۱۲/۶۰	۱/۷۰	۱/۰۰	۱/۵۰

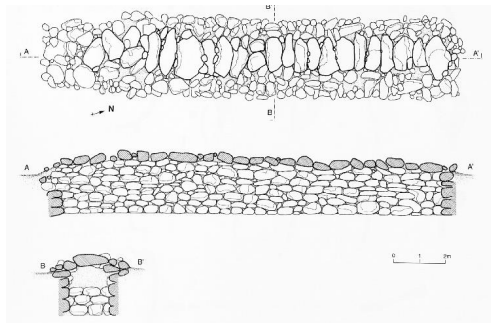
## معماری و ساختار مقبره‌ها

مقبره‌ها درون زمین ساخته شده‌اند. بدین صورت که ابتدا قطعه زمینی را در ابعاد و عمق مورد نظر حفر نموده؛ سپس اقدام به دیوارچینی چهار طرف آن با قطعات سنگی در اندازه‌ها



و ابعاد گوناگون (تخته‌سنگ‌ها، سنگ‌های قلوهای و لاشه‌ای) کرده‌اند. در ازاره دیوارها از سنگ‌های بزرگتر استفاده شده و معمولاً قطر ازاره‌ها بیشتر است. شکاف‌های میان سنگ‌ها با سنگ‌ریزه و سنگ‌های کوچکتر پر شده است و دیوارهای سنگی چهار طرف را به شکل منظم و متراکم به صورت خشکه‌چین ساخته‌اند. این دیواره‌ها از چندین رج منظم سنگ با اندازه‌ها و اشکال مختلف تشکیل شده‌اند (واندن‌برگ، ۱۹۶۸: ۵۴؛ هرینک و اورلت، ۲۰۰۸: ۶). در برخی گورستان‌ها مانند گیلوران برای ساخت هر یک از دیواره‌های سنگی چهار طرف مقبره، صرفاً از چند قطعه سنگ بسیار بزرگ و هم‌اندازه کلان‌سنگی استفاده شده است؛ به طوری که بعد از چیدن سنگ‌های مذکور در کنار هم، با استفاده از چندین تخته‌سنگ سنگین، سقف مقبره را به صورت خرپشته‌ای پوشانده‌اند (پرویز و حدیث، ۱۳۹۱: تصاویر ۹-۱۱). برای پوشاندن سقف مقبره‌ها اغلب از تخته‌سنگ‌های چندصدکیلویی استفاده شده است؛ بنابراین این کار بسیار سخت، پرزحمت و دشوار بوده است و احتمالاً با یک تلاش دسته‌جمعی انجام می‌شده که نشان‌دهنده یک سازمان اجتماعی منسجم در آن دوره است (هرینک و اورلت، ۲۰۰۶: ۶۳). بعضی از سنگ‌های مورد استفاده حدود ۶۰۰ کیلوگرم وزن دارند (واندن‌برگ، ۱۹۶۸: ۶۰). به نظر رنته<sup>۱</sup> (۲۰۰۹: ۹۴) «در این دوران، دامنه‌های زاگرس محل سکونت جوامع قبیله‌ای متحرک، بزرگ، ثروتمند و سازمان‌یافته بوده است که در چشم‌انداز ناهموار مابین دجله و کوه‌های زاگرس (کریدور ماورای دجله) در حرکت بوده و از همه منابع در دسترس خود بهره‌برداری می‌کرده‌اند». برخلاف نمونه‌های کال‌ن‌سار و بان‌سرمه، کف مقبره‌های میرخیر یا کوبیده شده یا با تخته‌سنگ فرش شده است (واندن‌برگ، ۱۹۷۹: ۶). در ساختار مقبره‌ها، کوچکترین جزئیات با دقت بسیار لحاظ شده است. برای سهولت در پوشاندن سقف مقبره‌ها، دیوارهای طولی قبور از پایین به بالا حدوداً دو برابر به هم نزدیک شده‌اند؛ به این معنا که از کف مقبره‌ها به سمت سقف، به تدریج از عرض داخلی کاسته شده است؛ به طوری که در خیلی از موارد، فاصله دیوارهای طولی در سقف نصف شده است. برای نمونه، عرض مقبره از ۱۶۰ سانتی‌متر در کف به ۸۰ سانتی‌متر در دهانه سقف کاهش یافته است.

با تخته‌سنگ‌های پوششی بزرگ، سقف مقبره‌ها را به دو شیوه پوشانده‌اند: مسطح (شیوه مرسوم در پشتکوه) یا خرپشته‌ای (شیوه مرسوم در پیشکوه) (تصویر ۲). در برخی مقبره‌های با سقف مسطح، در مواردی که به تخته‌سنگ‌های بزرگ یکپارچه دسترسی نبوده است، با استفاده از قطعات سنگی کوچکتر، پوشش سقف به گونه‌ای چیده شده که از درون تا حدودی طاقی شکل به نظر می‌رسد؛ ولی از بیرون مسطح است (تصویر ۲، برش B-B)، در مقابل، در مواردی که از تخته‌سنگ‌های بزرگ یکپارچه برای پوشش سقف‌ها استفاده شده است، سقف از درون نیز صاف و بدون قوس است (تصویر ۳). در حال حاضر، مشخص نیست که آیا در دوره باستان، سقف مقبره‌ها در سطح زمین قابل مشاهده باقی می‌مانده یا به احتمال بیشتر، پس از ساخت با خاک یا مصالح دیگر پوشانده می‌شده است (هرینک و اورلت، ۲۰۰۸: ۶؛ واندن‌برگ، ۱۹۶۸: ۵۴).



تصویر ۲. شکل سقف و برش‌های مقبره B۶ بان‌سرمه (همو، ۲۰۰۶: ۴۹ pl.)

طول دیواره داخلی اتاق‌های تدفین معمولاً بین ۵ تا ۱۲ متر و عرض آنها در کف، بین ۱/۱۵ تا ۲/۷۵ متر است. ارتفاع اتاق نیز بین ۱/۵۰ تا ۲ متر بوده و و این امکان را فراهم می‌آورد که افراد به‌آسانی درون آن رفت‌وآمد کنند. در برخی موارد، فضای اتاق تدفین با استفاده از دیوارهای تقسیم‌کننده، به چند اتاقک کوچکتر تقسیم شده است. در بیشتر موارد، مقبره‌ها راه‌پله باریکی دارند که در امتداد ورودی و در یکی از دیوارهای عرضی کوتاه‌تر ساخته شده است. این راه‌پله‌ها با استفاده از چند قطعه سنگ که از دیوار بیرون زده‌اند، به وجود آمده‌اند. ورودی مقبره‌ها را معمولاً با سنگ‌های کوچک می‌پوشانند (همو، ۲۰۰۸: ۶۶ و ۲۰۰۶: ۵-۶). دیوارهای تقسیم‌کننده و ورودی‌ها، در مقبره‌های مکشوفه در گورستان احمدالحتو در ناحیه خمیرین نیز مشاهده شده‌اند (ایخوف<sup>۱</sup>، ۱۹۹۳: ۶۹-۷۱). با توجه به کشف یک پاشنه درب در کاوش یکی از مقبره‌های بان‌سرمه، به نظر می‌رسد که برخی مقبره‌ها درب ورودی داشته‌اند (هرینک و اورلت، ۲۰۰۶: ۶-۷). علاوه بر این، یک پاشنه درب نیز بر آزاره یکی از دیوارهای دو طرف ورودی مقبره‌ای مکشوفه از علی‌آباد در دهلران یافت شده است (گوتیر و لمپر<sup>۲</sup>، ۱۹۰۵: ۸۰).

### گونه‌شناسی مقبره‌های کلان‌سنگی

بر اساس مطالعات سبک‌شناسی سفال‌های مکشوفه از گورستان‌ها، همزمان با مرحله B عصر مفرغ قدیم، می‌توان سه منطقه متمایز را در پشتکوه از هم تشخیص داد که هر یک از این مناطق سه‌گانه، بیشترین تماس‌ها را با نزدیکترین همسایگان خود داشته است: ۱- منطقه شمال غرب پشتکوه: شامل مناطق ایلام، ایوان و شیروان چرداول که بیشترین تماس‌ها را با ناحیه میانرودان داشته است؛ ۲- منطقه مرکزی: شامل محدوده‌های پیرامون بدره که بیشترین تماس‌ها را با ناحیه پیشکوه مرکزی داشته است و ۳- منطقه جنوبی پشتکوه: شامل مناطق پیرامون آبدانان که با مناطق رومشگان و دهلران تماس داشته است (هرینک و اورلت، ۲۰۰۲: ۱۷۱). کِلرگاف اولین بار گورستان‌های کلان‌سنگی را به دو گروه تقسیم کرد: گروه اول با سقف خرپشته‌ای (تصاویر ۴ و ۵) که ساخت آنها در مناطق پیشکوه مرسوم بود و گروه دوم با سقف مسطح (تصاویر ۲ و ۳) که در مناطق پشتکوه رواج داشت (گاف، ۱۹۷۱: ۱۴۶). از نمونه‌های با سقف خرپشته‌ای می‌توان به گورستان‌های میرولی و چپاسبز (اشمیت و همکاران، ۱۹۸۹، ج ۲: pl. ۱۹. b)،

1. Eickhoff

2. Gautier & Lampre



دولپهن (مظاهری، ۱۳۸۹: ۳ و تصویر ۱) و گیلوران (پرویز و خدیش، ۱۳۹۱: ۹۷ و تصاویر ۹-۱۱) اشاره کرد. با این حال، در برخی گورستان‌ها مانند میرخیر، هم مقبره با تدفین انفرادی و هم مقبره کلان‌سنگی حاوی تدفین‌های متعدد، از هر دو گونه سقف خرپشته‌ای و سقف مسطح کاوش شده است (هرینک، ۲۰۱۱: ۶۷). مقبره‌های میرخیر را با توجه به شکل پوشش سقف، به دو گروه مقبره‌های با سقف خرپشته‌ای و مقبره‌های با سقف مسطح تقسیم کرده‌اند. در این محل تعداد ۶۳ مقبره کاوش شده است که تعداد ۲۰ مورد آنها سقف خرپشته‌ای و مابقی سقف مسطح داشتند (واندن‌برگ، ۱۹۷۹: ۶). در برخی گورستان‌های ناحیه پشتکوه مرکزی و نیز در پیشکوه غربی، گونه سوم از مقبره‌های کلان‌سنگی نیز کشف شده است (تصویر ۶). در این گونه، ابتدا سقف مقبره به شکل مسطح پوشش داده شده است؛ سپس بر روی سقف مسطح و شبیه سقف‌های خرپشته‌ای، یک اتاقک مثلثی شکل توخالی ساخته‌اند (هرینک، ۲۰۱۱: ۶۸).



تصویر ۳. وضعیت فضای درون یکی از مقبره‌های مکشوفه از بان‌کله (مظاهری، ۱۴۰۱: تصویر ۱)

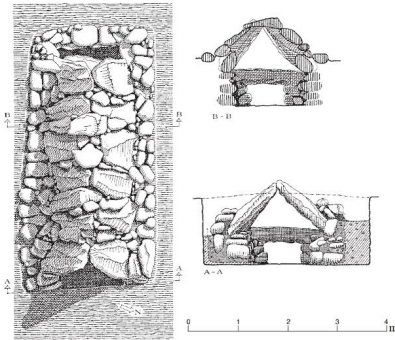


تصویر ۴. نمونه‌ای از مقبره‌های گورستان گیلوران (پرویز و خدیش، ۱۳۹۱: تصویر ۱۱)



تصویر ۵. یکی از مقبره‌های گورستان میرولی (اشمیت و همکاران، ۱۹۸۹، ج ۲: ۲۴a Pl.)

واندنبرگ (۱۹۷۱ الف: ۱۷۰ و ۱۷۱) مقبره‌های کلان‌سنگی را به دو گروه تقسیم کرده است: گروه اول مقبره‌هایی را شامل می‌شود که بلافاصله بعد از ساخت، تنها برای یک بار مورد استفاده قرار گرفته‌اند. گروه دوم نیز در دوره‌های بعدی بارها باز شده‌اند و در آنها تدفین‌های متعدد انجام شده است.



تصویر ۶. یکی از مقبره‌های گورستان جارعلی (هرینک، ۲۰۱۱: ۱۷. Pl.)

## بحث

ردیابی کشفیات و داده‌های موجود حاکی از آن است که سر نخ اصلی در ماهیت ظهور گورستان‌های کلان‌سنگی حوزه زاگرس مرکزی، در تغییر و تحولات فرهنگی ای نهفته است که پس از فروپاشی فرهنگ اوروک و به‌ویژه در دوران سلسله‌های قدیم I و II در دامنه‌های غرب و جنوب غرب ارتفاعات زاگرس رخ داد. در دشت‌های دامنه‌ای غرب و جنوب غرب زاگرس، مقبره‌هایی با تدفین‌های انفرادی یا متعدد، مشابه نمونه‌های مکشوفه از پشتکوه، در نواحی حمرین (تل احمدالحتو و خیت قاسم)، دیاله (خفاجه) و دهلران (علی‌آباد و خزینه) شناسایی و کشف شده‌اند. برخلاف مقبره‌های کلان‌سنگی زاگرس مرکزی، این مقبره‌ها با خشت و آجر ساخته شده‌اند؛ با این حال، تشابهات نزدیکی از نظر شکل، ابعاد، اندازه، ساختار، روند ساخت مقبره‌ها و نوع گورآوندهای مکشوفه، به‌ویژه سفال‌های سبک اسکارلت، با نمونه‌های پشتکوه دارند. به دنبال پایان یکپارچگی فرهنگی دوره اوروک، شاهد منطقه-گرایی و ظهور فرهنگ‌های منطقه‌ای متمایزی هستیم که یکی از مشخص‌ترین آنها، فرهنگ آغاز ادبیات (جمدت‌نصر) - سلسله‌های قدیم است که در جنوب میانرودان و دشت‌های دامنه‌ای حمرین، دیاله و دهلران؛ همچنین در ناحیه ناهموار پشتکوه توسعه یافت (امبرلینگ، ۱۹۹۵: ۹۰؛ کارتر<sup>۱</sup>، ۱۹۸۶: ۷۳). بعد از فروپاشی سیستم اوروک، ناحیه حمرین دوباره مسکونی شد. همین وضعیت در پشتکوه نیز دیده می‌شود و به نظر می‌رسد که در ناحیه دیاله نیز وضعیت مشابهی شکل گرفته است (هرینک، ۲۰۱۱: ۵۹). در دوره سلسله‌های قدیم II-I جمعیت دشت دهلران نیز به اوج خود رسید (امبرلینگ، ۱۹۹۵: ۷۵ و ۹۰). نتایج مطالعات باستان‌شناسی حاکی از آن است که در اواخر هزاره چهارم و اوایل هزاره سوم ق.م، تغییر و تحولات و جابجایی‌های جمعیتی مهمی در دامنه‌های غربی و جنوب غربی زاگرس رخ داد و به نظر می‌رسد که بخش مهمی از جمعیت شهرها به سمت دشت‌های حاشیه‌ای و دامنه‌های ارتفاعات حرکت کردند. در ادامه، جهت تبیین اوضاع فرهنگی دوره زمانی مورد نظر، ابتدا موقعیت نواحی مجاور پشتکوه در آن سوی مرزهای امروزی

1. Carter



ایران بیان می‌شود، سپس اوضاع فرهنگی نواحی مرتبط با مبحث تحقیق تشریح خواهد شد. امروزه حوضه رودخانه دیاله در شرق عراق را به ترتیب از شمال به جنوب، به سه ناحیه فرعی دیاله علیا، دیاله وسطی و دیاله سفلی تقسیم کرده‌اند (یاسین<sup>۱</sup>، ۱۹۹۵: ۳). برای اشاره به ناحیه دیاله سفلی که جنوبی‌ترین ناحیه است و در جنوب غربی جبل حمیرین قرار دارد، اصطلاحات متعددی مانند ناحیه دیاله، دیاله سفلی و دشت دیاله به کار برده می‌شود؛ حتی اصطلاح ساده «دیاله» به طور سنتی برای اشاره به این ناحیه استفاده می‌شود. این ناحیه از نظر یافته‌های باستان‌شناسی، غنی‌ترین نواحی سه‌گانه است (برایس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹: ۱۹۹). دیاله وسطی همان ناحیه حمیرین است که گاهی به آن دره حمیرین نیز می‌گویند (رنته، ۲۰۰۹: ۸۰). ناحیه حمیرین در بالای ناحیه دیاله و بعد از اولین رشته‌های ارتفاعات حمیرین قرار دارد (امبرلینگ، ۱۹۹۵: ۶۷). این ناحیه یک قطعه زمین لوزی‌شکل است (تصویر ۷) که در حدود ۵۰ کیلومتری شمال محل‌های باستانی مشهور ناحیه دیاله واقع شده است (کارتر، ۱۹۸۶: ۷۳).

نواحی دیاله و حمیرین کانون اصلی ماندگاه زمستانی کوچ‌نشینان پشتکوه در گذشته بوده است (علیزاده، ۱۳۸۷: ۶۱). پیگیری جریان حضور کوچ‌نشینان میانرودانی در چراگاه‌های زمستانی پشتکوه حاکی از آن است که این روند تا دهه‌های اخیر تداوم داشته، هرچند در طول زمان دچار نوساناتی شده است. در دوره پهلوی دامداران عراقی با کسب مجوزهای ویژه‌ای برای چرای گوسفندان خود، به مراتب برتش در دشت دهلران روی می‌آوردند (خیتال، ۱۳۶۹: ۲؛ هول<sup>۳</sup>، ۱۹۷۹: ۱۹۸). مهمترین محوطه‌های باستانی ناحیه دیاله عبارتند از: تل اسمر، خفاجه، تل عقرب و ایشچالی (دلوگاز<sup>۴</sup>، ۱۹۵۲: ۲۷). در سال‌های ۱۹۵۷ و ۱۹۵۸ م. جاکوبسن، آدامز و صفر بررسی‌های باستان‌شناسی فشرده‌ای در این ناحیه انجام دادند. افزایش تعداد و وسعت سکونتگاه‌ها در دوره‌های جمدت‌نصر و سلسله‌های قدیم (۲۳۳۴ - ۳۱۰۰ ق.م)، نشان‌دهنده رشد ثابت جمعیت این ناحیه در این دوره‌هاست. خفاجه، تل اسمر و تل عقرب به عنوان مراکز اصلی شهری توسعه یافتند و بسیاری از مکان‌های دیگر در یک الگوی سکونتگاهی سلسله‌مراتبی، در پیرامون آنها شکل گرفتند (برایس، ۲۰۰۹: ۱۹۹). ناحیه دیاله یکی از مهمترین نواحی میانرودان در دوره‌های جمدت‌نصر و سلسله‌های قدیم است (پرادا و همکاران<sup>۵</sup>، ۱۹۹۲: ۱۰۳ و ۱۰۶). با پایان دوره اوروک، خیلی از محوطه‌های اوروکی در این ناحیه متروکه شدند؛ با این حال، محوطه‌های جدید زیادی در دوره جمدت‌نصر تأسیس شد. تعداد شهرهای کوچک (با مساحت بین ۴-۱۰ هکتار) و روستاها در دوره جمدت‌نصر به سه برابر افزایش یافت و این روند افزایشی در دوره سلسله‌های قدیم I نیز تداوم داشت (امبرلینگ، ۱۹۹۵: tab. ۶.۲). تعداد محوطه‌ها از ۲۲ مورد در دوره عبید، به ۴۳ مورد در دوره‌های اوروک - جمدت‌نصر رسید؛ این روند افزایشی در دوره‌های سلسله‌های قدیم به اوج خود رسید و تعداد ۹۷ محوطه مربوط به دوره‌های اخیر شناسایی شده است (آدامز<sup>۶</sup>، ۱۹۶۵: ۳۷ و ۳۸).

در کاوش‌های ناحیه دیاله هیچ قبرستان مستقلی شناسایی نشده است؛ با این حال، در کاوش‌های خفاجه قبور زیادی کشف گردید. تقریباً تمامی این قبور در زیر کف خانه‌های خصوصی قرار

1. Yaseen
2. Bryce
3. Hole
4. Delougaz
5. Porada et al
6. Adams



داشتند که حاکی از رواج رسم تدفین در کف منازل در این ناحیه است. قبور شماره ۷۷-۱ که از کف خانه‌های ۸ تا ۱۲ کاوش شده‌اند، همگی از گونه قبرهای ساده گودالی هستند؛ لیکن در حدود ۲۰ مورد از قبور شماره ۱۳۷-۷۸ از گونه فضاهای تدفینی هستند که می‌توان آنها را مقبره نامید. ساخت این گونه فضاها از خانه‌های خصوصی شماره ۸ به بعد مرسوم شده است. کف این مقبره‌ها معمولاً گل‌اندود است، چهار طرف پیرامون آنها با خشت‌های پلانوکانوکس دیوارچینی شده و سقف طاقدار دارند. این فضاها مدفن یک یا چند نفر بوده‌اند؛ برای مثال، قبر شماره ۱۰۰ یک قبر طاقدار با ابعاد ۳۰۰ × ۹۰ سانتی‌متر است که حدود ۹۵ سانتی‌متر از ارتفاع دیوارهایش باقی مانده است. قبر ۱۰۸ نیز یک قبر طاقدار است که بیش از یک متر از ارتفاع دیوارهایش باقی مانده و حاوی بقایای جسد دو بزرگسال بود (دلوگاز و همکاران، ۱۹۶۷: ۵۹-۸۸، ۱۰۲ و ۱۰۵). در این میان، مقبره‌های شماره ۱۱۷ و ۱۱۸ دو مقبره بزرگ طاقدار هستند که با آجرهای پلانوکانوکس ساخته شده و برخلاف سایر قبور، در خارج از بافت‌های مسکونی شناسایی شدند (همان: ۱۱۱). متأسفانه، اطلاعات منتشر شده در مورد تدفین‌های مکشوفه از خفاجه بسیار ناقص است؛ ولی یافته‌های موجود حاکی از وجود رسم ساخت مقبره‌های آجری در این ناحیه است.

نتایج کاوش‌های نجات‌بخشی در ناحیه حمّین نیز حاکی از این است که اوایل هزاره سوم ق.م. یکی از مهمترین دوره‌های تاریخی این ناحیه محسوب می‌شود. این منطقه ظرفیت کشاورزی محدودی دارد؛ لیکن از چراگاه‌های زمستانی - بهاری غنی برخوردار است (کارتز، ۱۹۸۶: ۷۳). در دوره سلسله‌های قدیم I، در ناحیه حمّین، سکونتگاه‌ها به طور چشمگیری افزایش یافته‌اند؛ در حالی که فقط محوطه تل‌گوبه را از دوره جم‌دت‌نصر داریم، تعداد ۱۲ استقرار در دوره سلسله‌های قدیم I شناسایی شده است که دو مورد از آنها حدود ۵ هکتار مساحت داشتند (امبرلینگ، ۱۹۹۵: ۷۰). در دوره‌های سلسله‌های قدیم I-II مجموعه‌های سکونتگاهی مشابهی در این ناحیه شکل گرفته است که هر کدام شامل یک قلعه گرد (یا ساختمان مستحکم گرد) با خانه‌های پیرامون آن، یک یا دو روستا بیرون از قلعه و یک یا دو گورستان است. هیچ نشانه‌ای دال بر اینکه یکی از این مجموعه‌ها بر دیگر مجموعه‌ها کنترل داشته، مشاهده نشده است (همان: ۶۷ و ۷۰-۷۳). ساختمان‌های گرد شاخص‌ترین سازه‌های این ناحیه در این زمان هستند (رننه، ۲۰۰۹: ۸۰). رایج‌ترین نظریه در مورد عملکرد یادمان‌های مذکور این است که پایگاه‌های دفاعی‌ای بوده‌اند که ساکنان شهرهای ناحیه دیاله برای کنترل مسیرهای تجاری و محافظت از خود ساخته‌اند (همان: ۷۹). این سازه‌ها را مابین اواخر دوره جم‌دت‌نصر و اوایل دوره سلسله‌های قدیم II تاریخ‌گذاری کرده‌اند (دل‌براو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳: ۳). گورستان‌های احمدالحتو و خیت‌قاسم نیز از محوطه‌های مهم ناحیه حمّین هستند. گورستان احمدالحتو به دوره سلسله‌های قدیم I تاریخ‌گذاری شده است. در کاوش‌های این محل، ۴۸ مقبره آجری کشف شده که کاوشگران بیان می‌دارند سقف آنها طاقدار بوده است. تعداد اسکلت‌های مدفون در هر مقبره مابین ۱ تا ۱۲ نفر است. این گورستان شباهت‌های زیادی با خیت‌قاسم دارد (سورنهایگن<sup>۲</sup>، ۱۹۸۰: ۲۲۹؛ امبرلینگ، ۱۹۹۵: ۷۲). گورستان خیت‌قاسم نیز به دوره سلسله‌های قدیم I تاریخ‌گذاری شده است. مقبره‌های آن با خشت و آجر ساخته شده‌اند و موقعیت و ابعاد نسبی هر یک از مقبره‌ها و ماهیت و فراوانی

1. Del Bravo

2. Surenhagen



گورآوندها نشان‌دهنده سلسله‌مراتب اجتماعی توسعه‌یافته‌ای است (فورست<sup>۱</sup>، ۱۹۸۰: ۲۱۳). در این ناحیه نیز همانند نمونه‌های پشتکوه، مقبره‌های جدیدتر معمولاً حاوی تدفین‌های متعدد هستند؛ در حالی که در مقبره‌های قدیمی‌تر، تدفین‌ها به صورت منفرد بوده است (امبرلینگ، ۱۹۹۵: ۷۲). یافته‌های مکشوفه از این گورستان‌ها منعکس‌کننده جامعه‌ای ثروتمند، سلسله‌مراتبی و سازمان‌یافته‌اند. این مقبره‌های آجری تا حدودی درون زمین ساخته شده‌اند و به نظر می‌رسد که ارتباط نزدیکی با گورستان‌های پشتکوه دارند (رتنه، ۲۰۰۹: ۸۷).



تصویر ۷. پشتکوه و نواحی زیستگاهی پیرامون (با اصلاحاتی: بختیاری، ۱۳۹۵: تصویر ۱)

دل‌براوو، با توجه به مجاورت نواحی حمزین عراق و پشتکوه ایران، به بررسی جنبه‌های فرهنگی این دو ناحیه، شامل فرهنگ مادی، توزیع مکانی محوطه‌های باستانی و معماری محوطه‌های مکشوفهٔ اواخر هزارهٔ چهارم و اوایل هزارهٔ سوم ق.م. پرداخته است. به نظر ایشان محوطه‌های این دو ناحیه به دلیل به عملکرد متقابل جغرافیایی و تعاملات اقتصادی مشابه، جنبه‌های مشترکی از فرهنگ مادی را به اشتراک گذاشته‌اند؛ از جمله به‌کارگیری سفال‌های منقوش خاص گونهٔ اسکارلت که حاوی نقش‌مایه‌های تصویری مشترکی هستند و سفال‌هایی که اشکال مشابه دارند. این وضعیت در نتیجه و متأثر از اسکان در مجاورت محوطه‌های توسعه‌یافته‌تر ناحیهٔ دیاله شکل گرفته است. علاوه بر این، تعاملات اجتماعی درونی و به دنبال آن، شکل‌گیری شبکهٔ اقتصادی مبادلاتی، به عنوان عامل اصلی تلفیق تلاش‌های فرهنگی معرفی می‌شود؛ امری که موجب شکل‌گیری یک حوزهٔ فرهنگی واحد برای این دورهٔ زمانی شده است. این وضعیت همچنین عاملی بنیادی در کمک به عناصر شکل‌گیری فرهنگ سفال اسکارلت در میان‌رودان بوده است. در این تحقیق با توجه به مطالعهٔ جنبه‌های فرهنگی، شامل سفال، به‌ویژه سفال‌های گونهٔ اسکارلت و معماری و پراکنندگی جغرافیایی محوطه‌ها، این دو ناحیه برای دورهٔ زمانی اواخر هزارهٔ چهارم و اوایل هزارهٔ سوم ق.م. به عنوان یک حوزهٔ فرهنگی معرفی شده‌اند (دل‌براوو، ۲۰۱۳: ۳). دل‌براوو صاحبان گورستان‌های کلان‌سنگی پشتکوه را جمعیت‌های عشایری یا نیمه‌عشایری می‌داند که در راستای توسعهٔ شبکهٔ مبادلاتی منطقه و با هدف تأمین و تضمین نیازهای اساسی استقرارهای شهری ناحیهٔ دیاله به مواد خام شکل گرفته‌اند. به نظر او، حداقل بخشی از صاحبان این گورستان‌ها، نخبگان منطقه‌ای بودند که در تدارک شبکهٔ مبادلاتی مشارکت فعال داشته‌اند (همان: ۴ و ۵). در این میان به نظر می‌رسد که استقرارهای ناحیهٔ

حمرین نقشی واسطه‌ای میان شهرهای ناحیه دیاله و عشایر ناحیه پشتکوه ایفا کرده و جمعیت نیمه‌عشایری پشتکوه را به شهرهای ناحیه دیاله پیوند داده‌اند (همو، ۲۰۱۴: ۱۳۴).

برخلاف دل‌براو، رنته (۲۰۰۹: ۷۹) معتقد است «وضعیتی که در این زمان در نواحی حمرین و پشتکوه شکل گرفته، حاصل توسعه بومی کریدور ماوراء دجله است. یادمان‌های گرد ناحیه حمرین نیز کاربرد انباری داشته‌اند. سکونتگاه‌های این ناحیه بخشی از جامعه‌ای پراکنده و متحرک بوده‌اند که با بهره‌برداری از ظرفیت کشاورزی دره‌ها در چشم‌انداز ناهموار منطقه، حداکثر بهره‌برداری از منابع موجود را به عمل آورده‌اند».

دامنه‌های ناهموار غرب زاگرس، به‌ویژه در ناحیه مجاور پشتکوه، بهترین بستر را جهت دامپروری متحرک فراهم آورده بود. در این منطقه، هیچ دشت کشاورزی وسیعی وجود ندارد؛ بلکه فقط چشم‌اندازی از تپه‌ها و پشته‌های گسترده و به طور پراکنده دره‌های کوچک و نسبتاً حاصلخیز دیده می‌شود. مردم ساکن در چشم‌انداز ناهموار ماوراء دجله به دامداری و تحرک بالا متکی بوده‌اند. در این نواحی، تأکید بیشتری بر کوچ‌نشینی و دامپروری و احتمالاً ساختارهای اجتماعی عشایری وجود داشته است. از این رو، مناطق مرتبط با این کریدور مشابهت‌هایی را در آداب و رسوم نشان می‌دهند. یافته‌های مکشوفه نیز حاکی از آن است که الگوی فرهنگی مشابهی در کریدور ماوراء دجله وجود داشته است که احتمالاً گروه‌های مرتبط مختلفی در آن زندگی می‌کرده‌اند (همان: ۸۲ و ۹۳ - ۹۴). به نظر می‌رسد که تحلیل رنته از ماهیت تحولات فرهنگی نواحی حمرین و پشتکوه، همخوانی بیشتری با رخدادهای فرهنگی این دوره دارد. با توجه به اینکه نواحی دیاله و حمرین معمولاً کانون اصلی ماندگاه زمستانی کوچ‌نشینان پشتکوه در گذشته بوده‌اند و حتی امروزه نیز میان لرها، لک‌ها و کردها در دو سوی مرز، روابط خویشاوندی برقرار است، می‌توان تشابهات فرهنگی میان حمرین و پشتکوه، به‌ویژه در ظهور سنت ساخت و استفاده از مقبره‌ها و شکل‌گیری و رواج سنت سفال‌گونه اسکارلت، را نتیجه ائتلاف و تماس نزدیک میان کوچ‌نشینان این بخش از جنوب غرب آسیا دانست (علیزاده، ۱۳۸۷: ۶۱).

دشت دهلران نیز مانند سایر نواحی واقع در امتداد دامنه‌های زاگرس که استقرار دوره‌ی اوروک آنها ضعیف بوده است، در دوره سلسله‌های قدیم I بار دیگر مسکونی شد؛ به طوری که جمعیت آن به بالاترین سطح خود در طول تاریخ این ناحیه رسید (امبرلینگ، ۱۹۹۵: ۷۵). جمعیت این ناحیه از حدود ۹۰۰ نفر در دوره جم‌دت‌نصر، به حدود ۶۵۰۰ نفر در دوره‌های سلسله‌های قدیم I و II افزایش یافت. در این دوره‌ها، تپه موسیان با وسعتی در حدود ۱۵ هکتار، مرکز دشت دهلران به شمار می‌رفت (نیلی و رایت<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴: ۱۷۸). در این ناحیه نیز نشانه‌های از شکوفایی زیستگاهی مشاهده می‌شود که چشم‌گیر است. علاوه بر تشابهات بسیار نزدیک در شکل ظروف و تزیینات ظروف سفالی، به‌ویژه نقش مابه‌های دورنگ سفال‌های گونه اسکارلت مکشوفه از نواحی دهلران، حمرین و دیاله، استفاده از خشت‌های پلانوکونوکس در هر سه ناحیه مرسوم بوده است (کارتر، ۱۹۸۶: ۷۴).

در سال ۱۹۰۳ م. گوتیه و لمپر کاوش‌های محدودی در دو محوطه قبرستانی علی‌آباد و خزینه در دشت دهلران انجام دادند (همان: ۷۵). در تپه علی‌آباد، دسته‌ای از مقبره‌های خشتی طاقدار کاوش شد که حاوی سفال‌های منقوش و ساده‌ای مشابه نمونه‌های مکشوفه از قبرستان‌های خیت‌قاسم و



احمدالحتو در حوزه حمیرین و مجموعه‌های مکشوفه از دوره سلسله‌های قدیم I در ناحیه دیاله بودند (دلوگاز، ۱۹۵۲: ۱۳۹). قبرستان علی‌آباد شامل مقبره‌های مستطیل-شکل با سقف‌های طاقی شکل و قبور صندوقی شکل بدون سقف است که با آجر ساخته شده‌اند و حاوی تدفین‌های انفرادی یا متعدد هستند (برایس، ۲۰۰۹: ۲۸). این قبرستان ۱۵۰۰ متر با تپه موسیان فاصله دارد. مطالعات جیمز نیلی حاکی از این است که مقبره‌های آجری قبرستان‌های علی‌آباد و خزینه به هزاره سوم ق.م. تعلق دارند؛ اما نیاز به مطالعات بیشتری است. مقبره‌های دارای دیواره خشتی مکشوفه از علی‌آباد و محتویات درون آنها به خوبی با مقبره‌های مکشوفه از قبرستان‌های احمدالحتو و خیت قاسم قابل مقایسه هستند. ساختار مقبره‌های علی‌آباد مشابه نمونه‌های مکشوفه از حمیرین است و هر مقبره، اتاق تدفینی با یک سقف آجری طاقدار دارد و حاوی یک یا چند اسکلت است. در واقع، نوع مقبره‌ها و وضعیت گورآوندها حاکی از مراسمات تدفین مشابه در نواحی حمیرین، دهلران و پشتکوه است (کارتر، ۱۹۸۶: ۷۵). در حالی که در دوره‌های جمده نصر تا سلسله‌های قدیم II/III، با دوره‌ای از توسعه زیستگاهی، رشد و شکوفایی و افزایش محسوس جمعیت مواجه بودیم، با شروع دوره سلسله‌های قدیم III، جمعیت دشت‌های دامنه‌ای دهلران و حمیرین به طور قابل توجهی کاهش یافت و به نظر می‌رسد که دوباره تا حد زیادی خالی از سکنه شدند (امبرلینگ، ۱۹۹۵: ۷۰ و ۹۰؛ کارتر، ۱۹۸۶: ۷۸ و ۸۱). در پشتکوه نیز روند ساخت مقبره‌های کلان‌سنگی متوقف شد و به نظر می‌رسد که هیچ نمونه‌ای از این گونه مقبره‌ها در دوره‌های سلسله‌های قدیم III و آکدی ساخته نشده است (هرینک و اورلت، ۲۰۰۲: ۱۷۰).

در مورد ماهیت تدفین‌های درون مقبره‌های کلان‌سنگی، احتمالاً این نوع مقبره‌ها اساساً یا خانوادگی هستند یا اینکه جهت دفن مردگان گروه‌های خاص یا قبایل مشخص ساخته شده‌اند (همو، ۲۰۰۶: ۵). کاوشگران میرولی معتقدند که احتمالاً هر کدام از این مقبره‌ها نشان‌دهنده نسل‌های متعددی از یک خانواده هستند (اشمیت و همکاران، ۱۹۸۹، ج ۱: ۳۱). ظهور این گونه قبور، حاکی از پدیدار شدن تغییرات اجتماعی مهمی در زندگی کوچ‌نشینان این دوره است (عبیدی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳: ۴۳۷). حجم کار مورد نیاز برای ساخت آنها قابل ملاحظه و بازتابی از جامعه‌ای قدرتمند با سازماندهی منسجم است (گاف، ۱۹۷۱: ۱۴۷).

### نتیجه‌گیری

پس از فروپاشی یکپارچگی فرهنگی دوره اوروک در اواخر هزاره چهارم ق.م.، منطقه‌گرایی و شکل‌گیری فرهنگ‌های منطقه‌ای؛ همچنین تغییرات و جابجایی‌های جمعیتی محسوس در حوزه فرهنگی پیشین رخ داد. به نظر می‌رسد که در این زمان، قسمتی از جمعیت شهرها به زندگی عشایری روی آوردند، کوچ‌نشینی در امتداد کریدور ماوراء دجله رونق گرفت و در برخی دشت‌های دامنه‌های غرب زاگرس مانند حمیرین و ناحیه پشتکوه با شکوفایی زیستگاهی مواجه هستیم. در این هنگام، جمعیت نواحی حمیرین، دیاله، پشتکوه و دهلران به طور محسوس افزایش یافت. روند افزایش جمعیت در نواحی مذکور از دوره جمده نصر آغاز شد و در دوره



سلسله‌های قدیم II به اوج خود رسید. شواهد باستان‌شناسی حاکی از این است که در دوره سلسله‌های قدیم III، روند معکوسی پدیدار شد و جمعیت نواحی حمیرین، پشتکوه و دهلران افت کرد، برخی نواحی تا حدودی متروکه شدند و به نظر می‌رسد که نظام عشایری پیشین نیز تا حدودی دچار اضمحلال شد.

یکی از فرهنگ‌های منطقه‌ای مهمی که پس از دوره اوروک شکل گرفت، فرهنگ جم‌مدت نصر - سلسله‌های قدیم است که در نواحی حمیرین، دیاله، پشتکوه و دهلران به‌خوبی توسعه یافت و در ظهور یکسری آداب و رسوم مشترک بروز نمود. یکی از مهمترین شاخصه‌های فرهنگ مذکور، ظهور سفال‌های چندرنگ گونه اسکارلت و دیگری، پیدایش و رواج استفاده از قبور مقبره‌ای شکل است که مدارک مربوط در همه نواحی این حوزه، به‌ویژه در پشتکوه و حمیرین، به‌خوبی کشف شده است. در زمینه ماهیت گورستان‌های کلان‌سنگی پشتکوه دو نظریه عمده وجود دارد: یک نظریه معتقد است ماهیت شکل‌گیری این گورستان‌ها متأثر از توسعه و گسترش شبکه مبادلات تجاری جهت تهیه و تضمین منابع مختلف مورد نیاز شهرهای ناحیه دیاله بوده است و حداقل بخشی از صاحبان گورستان‌های کلان‌سنگی پشتکوه، نخبگان منطقه‌ای بوده‌اند که در تدارک شبکه مبادلاتی مشارکت فعال داشته‌اند. نظریه دیگر معتقد است وضعیتی که در این زمان در نواحی حمیرین و پشتکوه شکل گرفته، حاصل توسعه و رونق بومی کریدور ماوراء دجله است؛ به‌طوری که ساکنان این نواحی در این زمان به دامداری و تحرک بالای متکی بودند، از سازمان اجتماعی عشایری منسجمی برخوردار بودند و در این کریدور، گروه‌های اجتماعی مختلفی با برخی آداب و رسوم مشابه زندگی می‌کردند. به هر حال، یافته‌های باستان‌شناسی مکشوفه حاکی از تماس‌ها، قرابت‌ها و ارتباطات نزدیک ساکنان نواحی و دشت‌های دامنه‌های غرب و جنوب غربی زاگرس، به‌ویژه نواحی حمیرین و پشتکوه، به‌همدیگر است، که نمودهای آن در آداب و رسوم مشابه، مانند ساخت قبور مقبره‌ای بروز کرد که نمونه‌های آن به فراوانی در پشتکوه و سایر مناطق زاگرس مرکزی کشف شده است. متأسفانه، با وجود کشف مدارک روشنی دال بر رواج این سنت در نواحی حمیرین، دیاله و دهلران، مطالعات دقیق، جامع و منسجمی در این نواحی در مورد بافت‌های تدفینی مربوطه انجام نشده است. از این رو، به علت ناکافی بودن کنترل‌های گاه‌نگاری و پراکنده بودن مطالعات باستان‌شناسی، در حال حاضر نمی‌توان در مورد روند دقیق شکل‌گیری قبور مقبره‌ای در نواحی مذکور بحث کرد و نمی‌توان گفت که اولین نمونه‌های چنین قبرهایی در کدام ناحیه پدیدار شدند. پس از رواج سنت ساخت قبور مقبره‌ای شکل، به نظر می‌رسد که به واسطه زندگی عشایری و کوچ‌نشینی، این سنت در جغرافیای گسترده‌ای توسعه یافته است.

اختلاف عمده قبور مقبره‌ای شکل پشتکوه با نمونه‌های مکشوفه از نواحی حمیرین، دیاله و دهلران در مصالح مورد استفاده است. طبیعی است که در دشت‌های دامنه‌ای حمیرین، دیاله و دهلران، همانند سایر سازه‌های معماری، در ساخت قبور مقبره‌ای از خشت و آجر و ویژگی‌های خاص این نوع مصالح (مانند سهولت طاق‌زنی) استفاده شده باشد. در مقابل، در مناطق کوهستانی پشتکوه و سایر مناطق زاگرس، سنگ در ابعاد، اندازه‌ها و اشکال مختلف، بهترین مصالح در



دسترس بوده که به بهترین شکل ممکن در ساخت گورستان‌های کلان‌سنگی به کار گرفته شده است. در واقع، از مصالح بوم‌آورد و ویژگی‌های خاص معماری آن منطقه بهره برده‌اند. با این حال، علاوه بر ظهور هم‌زمان سنت ساخت و استفاده از قبور مقبره‌ای، برخی تشابهات ساختاری در ساختمان مقبره‌های نواحی حمیرین، پشتکوه و دهلران مشاهده می‌شود، مانند وجود دیوارهای تقسیم‌کننده، ورودی‌ها و روند ساخت مقبره‌ها (در نواحی حمیرین و پشتکوه، ابتدا مقبره‌هایی برای تدفین‌های انفرادی رواج یافت و در مرحله بعدی، مقبره‌های بزرگتر برای تدفین‌های متعدد مرسوم شد). علاوه بر این، شاید مهم‌ترین حلقه ارتباط فرهنگی را در تشابه نزدیک گورآوندها و به‌ویژه سفال‌های گونه اسکارلت بتوان یافت. شباهت و قرابت سفال‌های اسکارلت مکشوفه از نواحی حمیرین و پشتکوه به حدی است که برخی از محققان این دو ناحیه را در این زمان، حوزه فرهنگی واحدی به شمار آورده‌اند و نواحی حمیرین، پشتکوه و دیاله را به عنوان یکی از نواحی اصلی شکل‌گیری سنت سفال اسکارلت معرفی کرده‌اند. با توجه به شکل و ساختار مقبره‌های کلان‌سنگی و نیز تنوع و تفاوت در گورآوندهای مکشوفه، به‌ویژه سبک‌شناسی سفال‌ها، می‌توان گفت که به احتمال زیاد در این زمان، گروه‌های اجتماعی یا قبایل مختلفی در مناطق مختلف زاگرس مرکزی وجود داشته‌اند که با توجه به ارتباطات و تماس‌های نزدیک آنها با همدیگر، وجوه فرهنگی مشابهی را از خود بر جای گذاشته‌اند؛ در واقع، شاهد ظهور ویژگی‌های مشترک فرهنگی و نگرش‌های متنوع قومی منطقه‌ای هستیم.



## الف) فارسی

- اورلت، برونو (۱۳۹۲). عصر آهن اولیه در پشتکوه لرستان، ترجمه کمال‌الدین نیکنامی و امیرساعد مویچش. تهران: سمت.
- بختیاری، معصومه (۱۳۹۵). «فرهنگ جمدت‌نصر در جنوب غربی ایران». مطالعات تاریخ و تمدن ایران و اسلام. ۹۳-۱۰۵.
- پرویز، احمد و پوریا خدییش (۱۳۹۱). «گورهای اشرافی عصر مفرغ قدیم در گیلوران خرم‌آباد». پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس. ۸۴(۸)، ۹۳-۱۱۳.
- خیتال، جعفر (۱۳۶۹). مجموعه آراء در مورد سرزمین پشتکوه ایلام. ایلام: کتاب‌فروشی اسماعیلی.
- رایت، هنری (۱۳۸۱). «پسکرانه‌های شوشان در دوران شکل‌گیری حکومت‌های نخستین». گردآورنده: فرانک هول. ترجمه زهرا باستی. باستان‌شناسی غرب ایران. تهران: سمت.
- علیزاده، عباس (۱۳۸۷). شکل‌گیری حکومت عشایری و کوهستانی عیلام باستان. شهر کرد: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان چهارمحال و بختیاری.
- فیروزمندی، بهمن و مصطفی عبدالهی (۱۳۸۴). «فرهنگ تدفین در لرستان (نیمه اول هزاره اول ق.م)». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. ۵۶(۱۷۲ و ۱۷۳)، ۷۹-۱۱۰.
- مظاهری، خداکرم (۱۳۸۹). «قبرستان دول‌پهن و سفال شوش IVa-IIIb». پیام باستان‌شناس. ۷(۱۴)، ۱-۱۳.
- مظاهری، خداکرم (۱۴۰۱). «الگوی توزیع زمانی گورستان‌های پشتکوه در دوران مفرغ و آهن». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران. ۱۲(۳۴)، ۱۴۳-۱۶۸.
- معتمدی، نصرت (۱۳۶۵). «آیین تدفین در لرستان هزاره اول پیش از میلاد». باستان‌شناسی و تاریخ. ۱(۱)، ۳۱-۴۲.
- وان‌دن برگ، لویی (۱۳۵۰). «کاوش‌های باستان‌شناسی در پشتکوه لرستان». باستان‌شناسی و هنر. شماره ۶، ۳۲-۳۷.

## ب) انگلیسی

- Abdi, K. (2003). "The early development of Pastoralism in the central Zagros Mountains", *Journal of World Prehistory* 448 - 395 :17.
- Adams, R. (1965). *Land behind Baghdad, a history of settlement on the Diyala Plains*, the University of Chicago Press.
- Bryce, T. (2009). *The Routledge Handbook of the people and places of Ancient Western Asia*, Routledge, London and New York.
- Carter, E. (1986). "The piedmont and the Pusht -I Kuh in the early third millennium B.C." in: Huot, J. L. (Ed). *Prehistoire de la Mesopotamie*, Paris: 83-73.
- Del Bravo, F. (2013). "The Luristan - Hamrin cultural sphere (4th-3rd millennium B.C.), pottery identity as Intra - Societies interactions", in *Identity and Connectivity, proceeding of the 16th symposium on Mediterranean Archaeology*, Florence, vol. 1, Luca Bombardieri et.al. (ed.), BAR International Series :1/2581 10-3.
- \_\_\_\_\_ (2014). "Scarlet Ware: origins, chronology and developments", in *ARCANE International*, Lebeau, L. (ed.), vol. 145-131 :1.
- Delougaz, P. (1952). *Pottery from the Diyala Region*, the University of Chicago press.
- Delougaz, P., Hill, H. and Liloyd, S. (1967). *Private houses and graves in the Diyala region*, the University of Chicago Press.
- Eickhoff, T. (1993). *Grab und Beigab, Bestattungssitten der Nekropole von Tall Ahmad al-hattu und anderer fruhdynastischer Begrabnisstätten im sudlichen Mesopotamien und in Luristan*, Munchen and Wien.
- Emberling, G. (1995). *Ethnicity and the State in early third millennium Mesopotamia*, Doctoral dissertation, Departments of Anthropology and Near Eastern studies, University of Michigan.
- Forest, J. (1980). "Kheit Qasim I, Un cimetiere du debut du troisieme millenaire dans la vallee de Hamrin, Iraq", *Paleorient*, 220-213 :6.
- Gautier, J. and Lampre, G. (1905). "Fouilles de Moussian", *Mémoires de la Délégation en Perse* 148-59 :8.
- Goff, C. (1971). "Luristan before the Iron Age", *IRAN*, 152-131 :9.
- Haerinck, E. (2011). "Painted Pottery of the first half of the early Bronze Age (Late 4th - First Centuries of the 3rd Millennium B.C.) in Luristan, W-Iran", *Iranica Antiqua*, 88-55 :46.
- Haerinck, E. and Overlaet, B. (2002). "The Chalcolithic and the early Bronze Age in Pusht-i Kuh Luristan: chronology and Mesopotamian contacts", *Akkadica*, 181-163 :123.
- \_\_\_\_\_ (2006). *Bani Surmah, Luristan excavation documents*, vol. 6, BAMI, The Ghent University and the Royal Museums of Art and History, Brussels.
- \_\_\_\_\_ (2008). *The Kalleh Nisar bronze age graveyard in Pusht-i Kuh, Luristan*, *Acta Iranica* 46, Leuven.
- Hole, F. (1979). "Rediscovering the Past in the Present: Ethno archaeology in Luristan Iran", in: C. Kramer (ed.), *Ethno archaeology*, New York: Columbia university press: 218-192.
- Neely, J. and Wright, H. (1994). *Early settlement and irrigation on the Dehluran Plain, Village and Early State Societies in Southwestern Iran*, University of Michigan Museum of Anthropology, Technical report 26.
- Porada, E., Hansen, D., Dunham, S. and Babcock, S. (1992). "The chronology of Mesopotamia, ca. 1600 - 7000 B. C.", in: Ehrich, R. W. (ed.), *chronologies in old world archaeology*, vol. 1, Chicago and London: University of Chicago press: 121 -77.
- Renette, S. (2009). "A reassessment of the round buildings in the Hamrin Valley (Central Iraq) during the early 3rd millennium B.C.", *Paleorient*, 98-79 :2/35.

## منابع و مأخذ



- Schmidt, E., Van Loon, M., and Curvers, H. (1989). *The Holmes expedition to Lourestan*, 2 Vols, the University of Chicago Press.
- Surenhagen, D. (1980). "Die fruhdynastisch I- Zeitliche Nekropole von Tall Ahmad Al- Hattu, Ausgrabungen der deutschen Orient - Gesellschaft im Hamrin - Becken", *Paleorient*, 232-229 :6.
- Vanden Berghe, L. (1968). "Le necropole de Bani Surmah, Aurore d'une civilisation du Bronze", *Archeologia*, 63-53 :24.
- \_\_\_\_\_ (1971a). "Kalleh Nisar", *IRAN*, 172-170 :9.
- \_\_\_\_\_ (1971b). "Pusht-i Kuh, Luristan; 1969", *IRAN*, 176-175 :9.
- \_\_\_\_\_ (1976). "Pusht-i Kuh, Luristan", *IRAN*, 166-164 :14.
- \_\_\_\_\_ (1979). "La necropole de Mir Khair au pusht- i Kuh, Luristan", *Iranica Antiqua*, 57-1 :14.
- Yaseen, G. (1995). *Old Babylonian pottery from the Hamrin, Tell Halawa*, London, NABU Publications.

